۶۶۸۱ شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲ ■ ۱ رجب ۱۴۴۵

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه

گزارش «جام جم» درباره فیلم‌های مرتبط با ترور از دهه ۵۰ تا امروز

رد خون ترور روی پرده نقره‌ای

جامعه ایرانی نیازمند ایجاد نهضت سینمایی ضدتروریستی است

صفحه ۸

رسانه

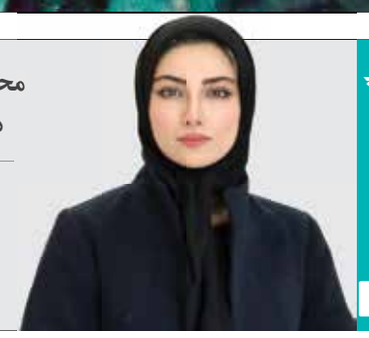

محیا دهقانی، بازیگر سریال «مستوران» در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرد

زن ایرانی سایه نشین نیست

۷

فرهنگ

چهاردهمین جشنواره فیلم انقلاب در جهت مبارزه با جنگ نرم آغاز شد

عمار؛ عرصه طرح حرف‌های مردمی در سینما

۱۰

فرهنگ

گفت‌وگوی «جام جم» با علیرضا کریمی صارمی درباره وضعیت عکاسی معاصر کشور

کسی سراغ عکاسان دفاع مقدس را نمی‌گیرد

۱۱

یادداشت

یدا... گودرزی | گروه فرهنگ و هنر

شیفتگی نزارقبانی به ایرانیان و زبان و ادب فارسی

نزارتوفیق القبانی بی‌شک یکی از شاعران گرانسنگ و پرآوازه عرب در دوره کنونی است. او توانسته باهوشمندی به دغدغه‌های انسان شرقی بپردازد و با بهره‌گیری از میراث مشترک و فرهنگی خاورمیانه و جهان، جایگاهی ویژه در ادبیات امروز بیابد. آنچه دراین فرصت کوتاه می‌خواهم به آن بپردازم، عشق و علاقه وی به ایرانیان، عرفان، ادبیات و خط و زبان فارسی است.

نزار قبانی اهل دل است، اهل عشق و شعر و عرفان. وی گرچه شاعری معاصر است و توانسته اصطلاحات و پدیده‌های امروزی را به نفع شعرِ خویش مصادره کند اما نگرش عرفانی و مهرورزانه‌اش سبب شده تا به فراتر از جغرافیا، آیین و محدودیت‌های فرضی بنگرد و همچون سالکی عاشق و صوفی‌ای عارف به پدیده‌های جهان، عاشقانه نگاه کند. او هرچند سنی مذهب است اما دیدگاه عرفانی‌اش سبب شده تا به فرقه‌ها و نحله‌های دیگر با نگاه مهر بنگرد. قبانی دلباخته اندیشه‌های عطار نیشابوری و جلال‌الدین بلخی و متاثر از خیام است. او دلباخته عرفان ایرانی است؛ عرفانی که به قول نصرا... پورجوادی، ایرانیان آن را با اتکا بر اندیشه‌های دینی و آیینی آفریدند و یکی از شاهکارهای اندیشگی و معنوی ایرانیان است. نزار توفیق قبانی در تعدادی از اشعارش به عطار و مولانا اشاره می‌کند:

«حدثتها عن جمال الفکرالصوفی
و تجلیات جلال الدین الرومی
و فرید الدین عطار....»

و در جایی دیگر:

«اعتذر الیک
بالنیابه عن ابن الفارض و جلال الدین الرومی و محی‌الدین عربی....»

شعر قبانی سرشار از ارجاعات و بازگشت‌های تاریخی و تلمیحات ادبی است. او به حمله مغول و تاتار، اشاره‌ها دارد و از ویرانگری‌های آنان به ویژه هلاکو در شهرهای ایران و بغداد بسیار می‌گوید و بسامد این مقاطع در شعر وی، بالاست؛ شهرهای ایرانی در شعر او ستوده و ارجمند هستند و قبانی با تحسر ازآنها نام می‌برد:

«والقمر الاخضر فی سماء نیسابور....»

نزار قبانی عاشق هنر ایرانی به ویژه فرش ایرانی است؛ ازاین رو به قالی‌های ایرانی از کاشان گرفته تا تبریز اشاره کرده و حتی محبوب خود را به فرش ایرانی تشبیه می‌کند! برای نمونه:

«و تنام علی السجاده فارسیه.»

«یاسجاده الکاشان، صباح الخیر!»

« افرش السجاده التبریز فی الارض و ادعوا لصلوه....»

«تمشی علی سجاده الکاشان مثل الملکه....»

و باز در جایی می‌گوید:

«حرف‌های تو مثل قالی ایرانی است
و چشم‌هایت، گنجشک‌های دمشقی
که بین دو دیوار می‌پرند....»

نزار قبانی عاشق خط و تذهیب ایرانی است و در شعر «شاهکار» چنین می‌سراید:

«هنگامی که از برجسته‌ترین شعرم
که زندگی
و آرزوهایم را
به پایش ریخته‌ام، بپرسند
با خط طلاکوب فارسی
روی هر ستاره می‌نویسم:
سروده شاهکار من تویی!»

شگفت‌انگیز است، شعر نزار قبانی از واژه‌ها و اصطلاحات بی‌شمار فارسی بهره می‌برد و حتی قبانی می‌کوشد با آنها نمادسازی کرده و به نفع شعرش مصادره کند.

یکی از این کلمات «بنفسج» است که همان بنفشه فارسی است. او ازاین واژه هم به عنوان گل و همرنگ و هم‌نماد، بهره می‌برد و ترکیب تازه می‌سازد، مانند: « عصر بنفسجی» یا کلمه «جُلنار» که همان «گلنار» فارسی است که قبانی بارها از آن استفاده می‌کند. « عصر الجلنار» در شعر او یعنی زمانی آرمانی که مثل گل، محبوب و خواستنی است، شهریار هم از واژه‌های مورد علاقه نزار قبانی است که بارها به کار می‌برد و این واژه، کارکردی استعاری در شعر او دارد:

«کیف آتیک بورد احمر
بعد ان مات زمان الجلنار،
اسکتی یا شهرزاد!»
یا « فانا ماکنت یوما شهریارا»

کلمات فارسی در شعر نزار قبانی بسیار است؛ نمونه‌هایی ببینید:

« زمانک بُستان و عصرک اخضر»
« صار الادیب کالبهلوان»
« و ینموالبنفسج فی حوضنا»
«اجعل شاه الفُرس من رعیتی....»
«و من اوراق الُرزنامه العربیه»، « من رزنامه الاقدار....»

کلماتی مثل بهار، بستان، شریان، ساذج (ساده)، خنجر و خناجر، سرداب، سراب، پهلوان، نارنج، فردوس، مهرجان، دفتر، فیروز، انوشروان، نرجس، سوسن، یاسمین و.... زیاد دیده می‌شود که نشانه رواج واژه‌های فارسی در زبان معاصر عربی نیز هست. البته واژه‌های فارسی در شعر شاعران همدوره او مثل محمود درویش هم دیده می‌شود اما بسامد آن در شعر نزار قبانی به راستی جالب و زیاد است.

این نوشتار گشایشِ دری است تازه به شعر پرطرفدار نزارقبانی از چشم‌انداز تأثیرپذیری از زبان و خط و ادبیات فارسی که جای پژوهش بسیار دارد.

در پایان، بخشی از سروده نزار قبانی را در وصف قیام و مقاومت مردم ایران بخوانید:

«شکوفه‌های بادام در باغ‌های شیراز دمیدند
و شکنجه‌شدگانِ روزه‌دار،
روزه را گشودند،
آری! اینان فارس‌ها (ایرانیان) هستند
که بنای ستم را فروریختند
و پس از دورانِ قهر
بت‌ها را به لرزه درآوردند
گرسنه و تشنه، شیعه و سنی
زنجیرها را شکستند
و بندها را گُسستند....»

زاویه دید

نگاهی به تورکنسرت «تهران فصل دوم»

یکه‌تازی به سبک قربانی

علیرضا قربانی از اوایل سال ۱۴۰۲ تقریبا بدون توقف چندانی، چه در ایران و چه خارج از ایران روی صحنه رفته است. او پس از تولید پروژه «با من بخوان» و نزدیک شدن به سلیقه شنیداری مخاطبان، فصل جدیدی از فعالیت‌های موسیقایی خود را با برگزاری توری از ۱۶ اردیبهشت آغاز کرد؛ توری که در دو مرحله شهرهای مهم کشور را درنوردید. او از ۷ دی‌ماه با برگزاری بخش دوم تور کنسرت‌های خود با عنوان «تهران فصل دوم» فعالیت‌های خود را پی‌گرفت. نکته قابل تامل در اجرای این دو تور، تفاوت معناداری است که در کنسرت‌های قربانی دیده می‌شد. او با اجرای دو کنسرت متفاوت، تلاش کرد تا به حقوق مخاطب احترام بگذارد و اجراهایش را برای علاقه‌مندان جذاب کند. همزمان با آخرین روزهای اجرای کنسرت قربانی، گذر کوتاهی بر برخی تفاوت‌های دو تور موسیقایی علیرضا قربانی خواهیم داشت.

۲۶ شهر ایران و جهان میزبان یک کنسرت

علیرضا قربانی در سه مرحله اجرای موسیقی در ۲۷ شهر داخلی و خارجی روی صحنه رفت که اگر از سه شهر رشت، شیراز و تهران که به واسطه استقبال زیاد در دو مرحله اجرا شدند بگذریم، او در تورهای خود، میزبان ۲۳ شهر داخلی و خارجی شد که به نوبه خود یک رکورد به حساب می‌آید.

قربانی تور اولش را از ۱۶ اردیبهشت با حضور در گرگان آغاز کرد. سپس به رشت، تبریز، سیرجان، شیراز و کیش رفت و در نهایت دور اول اجراهایش را در سعدآباد تهران به پایان رساند. او سپس از مهرماه دور جدید تورهایش را با حضور در یزد، کاشان، شهرکرد، شیراز و تبریز آغاز کرد. این تور با توجه به آغاز اجراهای خارجی قربانی نیمه‌تمام ماند. قربانی ابتدا از ۱۲ آبان ماه در میان استقبال مخاطبان خود در شهرهای کلگری، ونکوور، تورنتو و مونترال کانادا روی صحنه رفت. سپس به اروپا رفت و در شهرهای دوسلدورف، فرانکفورت، مونیخ، برلین، لندن، منچستر، روتردام، استکهلم، مالمو و قونیه میزبان علاقه‌مندان به هنر موسیقی اصیل ایرانی شد. قربانی پس از این سفر طولانی، به تهران آمد و از ۷ تا ۲۲ دی‌ماه طی ۱۵ روز ۳۰ کنسرت در هتل اسپیناس برگزار کرد تا رکورد حضورش بر صحنه در یک سال را دست‌نیافتنی کند.

رکوردشکنی‌ها در جذب مخاطب

قربانی که در خردادماه رکورد اجراهای متوالی را زده بود و در کانادا نیز با فروش نزدیک به ۱۰ هزار بلیت رکوردی جالب برای خود در بین خواننده‌های ایرانی ثبت کرد، در تهران نیز با ۳۰ اجرا در ۱۵ روز توانست رکوردشکن ظاهر شود. نکته قابل تامل آن‌که بلیت‌ها چهار شب اول اجراهای او در کمتر از ۳۰ دقیقه فروخته شد و در ادامه نیز مخاطبان زیادی جلب اجراهای او شدند که در یک آمار سرانگشتی در حدود ۷۵ هزار نفر مهمان او بودند.

برگزاری دو تور با قطعات متفاوت

یکی از ویژگی‌های قربانی در این دو تور که نشان از اهمیتی دارد که او برای علاقه‌مندان به خود قائل است، تفاوت در قطعه‌های انتخاب برای کنسرت‌ها بود. ارغوان، عروج، هم‌گناه، پل، پریشانی، شروع ناگهان، لیلا، می‌دانی تو، بوی گیسو، بی‌گناه، خیال خوش، روزگار غریب و عاشقانه نیست، ۱۳ ترانه‌ای بودند که در تور اول قربانی در سعدآباد اجرا شدند. او در تور دوم، در کنار آثاری چون عروج، پریشانی، پل، بوی گیسو، ارغوان و روزگار غریب، قطعاتی چون گفت‌وگو، عشق آسان ندارد، چشم‌هایش، من عاشق چشمت شدم، در زلف تو آویزم، نازنی‌نی، گفتم این آغاز پایان ندارد و تا تو نگاه می‌کنی را اجرا کرد تا کنسرتی متفاوت در نگاه مخاطبان داشته باشد. این یکی از جذابیت‌هایی بود که کنسرت قربانی را در اسپیناس مخاطب پسند می‌کرد.

تفاوت در آهنگسازی و ارکستراسیون

تفاوت دیگری که کنسرت قربانی را در هتل اسپیناس جذاب‌تر کرد، در ارکستراسیون و سازبندی بود؛ موضوعی که خود او نیز در حین اجراهای خود بدان تاکید کرد و گفت: ارکستراسیون و سازبندی و آهنگسازی این اثر بر اساس موسیقی کلاسیک غرب است و خواننده تنها کسی است که بر اساس موسیقی ردیف دستگاهی و موسیقی سنتی، کاملا به صورت ردیفی آواز را ارائه می‌کند. این فُرم، از دغدغه‌های بنده و البته جناب حسام ناصری بود که آن را در قالب سه ساز و آواز مختلف اجرا کرده‌ایم.

استفاده از هوش مصنوعی

یکی از ویژگی‌های کنسرت قربانی استفاده درست از دکور و نور است که به گفته منتقدان از نقاط قوت کنسرت او به حساب می‌آمدند چرا که تمامی نورپردازی‌ها و تصویرسازی‌ها و از همه مهم‌تر متن برخی اشعار همگی در خدمت اجرا بودند و در فوران احساسات مخاطب نقش به سزایی داشتند. در تور دوم کنسرت، تیم اجرایی گام بلندتری را در بهره‌گیری از فضا برداشتند و این‌بار با بهره‌مندی از هوش مصنوعی تلاش کردند جلوه‌ای خاص بر جغرافیای محیطی کنسرت ارائه کنند. فرید ناظرفصیحی، کارگردان و طراح صحنه این کنسرت در مورد جلوه‌های تصویری و ویدئومپینگ‌های این کنسرت چنین می‌گوید: به عنوان استودیویی که سال‌ها کار جلوه‌های بصری انجام دادیم و همیشه با تکنولوژی درگیر بودیم و سعی کردیم با ایده‌ها و محصولاتی که درست می‌کنیم در این زمینه پیشرو باشیم، تصمیم گرفتیم برای فضاسازی‌ها و ویدئوها از AI هم استفاده کنیم. به همین دلیل دپارتمان AI را که از مدت‌ها قبل برای کارهای تحقیق و توسعه شکل گرفته بود، درگیر این پروژه کردیم. اگر بخواهم برای این ویدئوها یک آنالیز مختصر ارائه دهم، آنها ترکیبی از AI، مدل‌سازی سه بعدی، داینامیک و... است و به صورت کامل از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده نشده و تنها بخشی از فرآیند اجرایی پروژه بوده که به نظرم این موضوع می‌تواند در خصوص استفاده از هوش مصنوعی قدم رو به جلویی باشد. در حقیقت خواستیم با این کار و با توجه به نوع موسیقی علیرضا قربانی و نوع اجرای او و تکنولوژی که وارد تصویرسازی کارهای‌شان می‌شود، یک وجه جدیدی ایجاد کنیم. ما می‌خواستیم مخاطب را با یک وجه دیگر هم درگیر کنیم تا علاوه بر این‌که از صدای علیرضا قربانی و موسیقی لذت‌بخش استفاده می‌کنند، برای‌شان یک‌سری تصاویر هم ایجاد کنیم که در راستای موسیقی‌ها باشد و تصاویر جدیدی باشد که تمام حواس‌شان را درگیر کند.

در نهایت

قربانی به دلایلی چون سبک تخصصی کاری که انجام می‌دهد و اخلاق مخاطب‌پسند خود توانسته به یکی از پرمخاطب‌ترین خوانندگانی تبدیل شود که استقبال چشمگیر از اجراهایش، می‌تواند یکی از نشانه‌های این محبوبیت باشد؛ محبوبیتی که به دلیل تداوم این روند، می‌تواند تا سالیان دراز برای این خواننده حفظ شود.